مطالعات محیطی هفت حصار شماره بیست و هفتم/ سال هفتم/ بهار ۱۳۹۸
صفحات ۸۰-۶۷

اُلگوی «نقد و تحلیلِ فرآیندمبنا» در آثار مسکونیِ معاصر بر پایه مؤلفه‌های: «مأموریت بنا، اهداف، ضروریات عملکردی و کانسپت‌ها»[1]

عرفان خصم‌افکن نظام*، فرشته نویدی‌مجد**، بابک فدوی انبیائی***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۲/۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱/۲۶

چکیده

شکل‌گیریِ شخصیت یک طراح و فراگیری مهارت‌های طراحی وابسته به مؤلفه‌ها و متغیرهای ویژه‌ای از جمله: مشاهده و جستار نمونه‌ها، نحوه‌یِ تحلیل و برخورد با نمونه‌ها، درگیری مستقیم و آغشته شدن با دغدغه مسئله طراحی و ... می‌باشد. نقد معماری و تحلیل آثار گذشتگان و نمونه‌های موفق و ناموفق، همواره نقش کلیدی در آموزش معماری بر عهده می‌گیرند. این که چگونه می‌توان از اطلاعات عددی و مفهومی، به اطلاعات بصری دست یافت یا به عبارت دقیق‌تر، «راز اثر هنری» را کشف کرد؛ تحلیل و نقدِ دانش‌بنیانِ «پروژه‌های موجود از لحاظِ نوعِ برخورد طراح با طرح و مسائل طراحی(از قبیل: عملکرد، سازماندهی، زمینه و ...)» و «نحوه‌یِ برقراری رابطه بین پروژه و بافت شهری، اجتماعی و فرهنگی شهر» می‌باشد، این که طراح چه «اهداف، ضروریات و کانسپت‌هایی» را برای طرح خود برگزیده است و چگونه آنها در پروژه نهایی به نمایش گذاشته است.

واژگان کلیدی

الگو، تحلیل فرآیند مبنا، مسکن، برنامه‌دهی دورک.

* دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر erfannezam@yahoo.com
** عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
*** عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

۱- این مقاله برگرفته از مباحث رساله کارشناسی‌ارشد با عنوان «طراحی و بازآفرینی نظام معماری مسکن ایرانی» بخشِ تجربه‌ها(تحلیل نمونه‌های موردی) می‌باشد که به راهنمایی سرکارخانم دکتر نویدی مجد و مشاوره جناب آقای دکتر فدوی انبیائی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر انجام شده‌است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.27.8.8]

مقدمه

پرسش از چگونگی آفرینش اثر معماری ما را به ورطه‌یِ گسترده‌ای از معانی، مفاهیم و راهبردهایی می‌کشاند که دستیابی به پاسخی مناسب را نیازمند نگاهی ژرف به بنیان‌های هر یک از آنها برمی‌شمارد. این نوع نگاه‌ها می‌تواند ترسیم‌گرِ سویه‌های مختلفی باشند که با بهره‌گیری از آنها، آدمی به موضع و جایگاه خویش واقف می‌گردد(انصاری و معظمی، ۱۳۸۴: ۴۵). از طرفی، تمایل به حفظ هویت، سنت‌ها و فرهنگ‌های بومی هر جامعه‌ای از یک‌سو و تمایل به امروزی شدن از سوی دیگر، از جمله مسائل بسیار مهم جوامع مختلفی می‌باشد که تأثیر مستقیم آن در معماری معاصر آنها قابل لمس، مشاهده و بررسی است. مسئله این است که چگونه می‌توان سنت، ارزش‌ها و معانی عناصر پیشین را حفظ و در عین حال فردی امروزی نیز بود(عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۱). معماری معاصر ایران بیش از هر زمان دیگری به نقد علمی و منصفانه نیاز دارد، نقدی که زیربنای اصلاح و بهبود فرآیندها و روش‌های موجود در حل مسئله معماری باشد، به خصوص زمانی که دستیابی به معماریِ فاخر و معماریِ سرآمد به بخشی از خواسته‌های قانون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبدیل شده است. بهترین راه برای رسیدن به نتایج مطلوب‌تر نقد گذشته و هموار کردن راه برای آینده است؛ چنان که در نقل قولی مشهور و منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) آمده است:« رَحِمَ الله اِمرأً عَلِمَ مِن أینَ وَفی أینَ وَ إلی أینَ»- « خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده و در کجا قرار گرفته است و به سوی کجا می‌رود(ملاصدرا، ۱۳۷۹: ۳۵۵). استفاده از نقد و بیان صحیح نقاط ضعف، با هدف جبران کاستی‌ها در اندیشه اسلامی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است(مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳). در این زمینه لازم است «نقد و تحلیل» به جای اعتراض صرف یا تأیید احساساتی، هدایتگر و جهت‌دهنده باشند. به عبارت بهتر باید نتایج نقدهای معماری رو به سوی آینده داشته و عاقبت‌اندیشانه باشد(اتو، ۱۳۸۸: ۲۰). نقد معماری کمتر به عنوان یک فرآیند نظام‌مند و سازمان‌یافته مورد بررسی واقع شده است. شاید به این دلیل که مقوله نقدِ معمارانه هنوز به مرحله شکوفایی کامل دست نیافته است. عدم وجود پیکره‌ای واحد، که بتوان در مباحث و تحلیل‌های نقادانه وادی معماری بدان تمسک جست، خود شاهدی بر این ادعاست(عباسی، ۱۳۹۲: ۷۰). اما گرایش به نقدِ آثارِ معماریِ معاصر به عنوان الگویی برای یادگیری معماری، بر ضرورت و اهمیت موضوع افزوده است(مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۶۰). گرچه الزاما شناختِ کافی از مسئله طراحی به طرحِ بهتر نمی‌انجامد(دانشگرمقدم، ۱۳۸۸: ۵۹). اما از طرفی شناخت و تحلیل مسئله طراحی به خصوص از طریق فرآیند تحلیلِ نمونه‌هایِ موردی، به واسطه‌یِ شناخت «مأموریت بنا» و رویکرد طراح در چگونگی بکارگیری در بیان «کانسپت‌ها و ضروریات عملکردی» برای بیان «اهداف» طرح لازم و ضروری است؛ زیرا یافتن متغیرها و رویکردهای مواجهه با مسئله طراحی می‌تواند در ایجاد جرأتِ لازم در طراحِ مبتدی، مؤثر و نتیجه‌بخش می‌باشد.

پیشینه «نقد و تحلیل» در فرآیند آموزش معماری

«نقد معماری» موضوعی راهبردی و بحث برانگیز در آموزش معماری محسوب می‌شود. روش‌های متنوعی از سوی اساتید با هدف آموزش «نقد معماری» به کار گرفته می‌شود که هر یک تا اندازه‌ای در این مسیر موفق عمل بوده‌اند. بر اساس شیوه‌یِ مبتنی بر برخورد با معماری به مثابه یک موضوع ارتباطی میان معمار و مخاطب می‌توان از دانشجویان خواست تا از شش منظر به تحلیل یک اثر معماری بپردازند: ۱)تحلیل رمزگان و نشانه‌های بصری به کمک نشانه‌شناسی(دیدگاه کلاسیک)؛ ۲)بازخوانی نیت و اندیشه‌های معمار به عنوان مبدع اثر، برمبنای ساختار تأویل و ویژگی‌های پدید آورنده(دیدگاه رومانتیک)؛ ۳)تحلیل صورت و فرم معماری بر مبنای شکل خارجی بنا(دیدگاه فرمی)؛ ۴)تحلیل بافت و زمینه اجتماعی و سیاسی برپایی بنا(دیدگاه زمینه‌ای)؛ ۵)تحلیل برداشت‌ها و نظرات مخاطب(دیدگاه پدیدارشناسانه)؛ ۶)تحلیل ویژگی‌های تماسی و فرآیند ساخت پروژه(دیدگاه رسانه‌ای)(مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۹).

جدول ۱- گرایش‌های نظری و تأثیر آنها بر گروه‌های نماینده در جهان معماری

نحله‌های نقد	کانون توجه	ویژگی آموزشی	گروه نماینده
کلاسیک	نشانه‌ها و رمزگان	شناخت اجزا و نقش‌مایه‌های فرهنگی	اغلب شیوه‌های سنتی
رومانتیک	اهداف و شخصیت معمار	ایده‌های معنوی و تقویت نیت سازنده	اغلب شیوه‌های مدرن
فرمالیسم	فرم بنا و تناسبات بصری	تقویت توانمندی در خلق تناسبات چشم‌نواز	فرمالیست‌های روسی
زمینه‌ای	طبقه مخاطب و اقتصاد	توجه مردم و مقاومت در برابر تبلیغات تجاری	مارکسیست‌ها و فمینیست‌ها
پدیدارشناسانه	برداشت‌های مخاطب	استفاده از نظرات مردم و استفاده‌کنندگان از بنا	شیوه‌های پست‌مدرن
رسانه‌ای	روش ساخت بنا	تقویت خلاقیت در انتخاب روش و تکنولوژی ساخت	اغلب شیوه‌های جدید

(مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۷۵)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.27.8.8]

الگوی نقد آثار معماری معاصر ایران

بستر یا زمینه: بستر یا زمینه‌ای که اثر معماری در آن شکل می‌گیرد، نخستین مبحثی است که می‌تواند بر اساس الگوی ارائه شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بستر یا زمینه را می‌توان از دو منظر بررسی نمود: **الف)نیاز جامعه:** هر اثر معماری در پاسخ به یک نیاز، برنامه‌ریزی و طراحی می‌شود. تأمین اعتبارهای اقتصادی و تأمین ظریفیت‌های لازم نیز بر اساس همین نگرش شکل می‌یابند. البته این نیاز می‌تواند شامل: نیازهای «فیزیکی- عملکردی» و یا «معنوی- یادمانی» باشد. **ب)گفتمان‌های موجود:** گفتمانی که اثر معماری در آن طراحی و ساخته می‌شود. «بوم» به عنوان محمل بیان ویژگی‌های زمینه، در کانون توجه قرار دارد. در این حالت معمار، شنونده‌ای آگاه است که در ارتباط با جامعه متخصصین و کارشناسان، از طریق مشاهده عمیق و برداشت میدانی، به نیازهای زمینه گوش فرا می‌دهد. به عبارت دیگر در این رویکرد، معماری محصول نیروهای برخاسته از زمینه طراحی است. جایگاه منتقد معماری، شناسایی نسبت اثر و نیازهای زمینه طراحی است(مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۶۶).

تحلیل فرآیند مبنا: فرآیند شکل‌گیری یک اثر معماری اعم از برنامه‌ریزی، برنامه‌دهی و فرآیند اجرا، بخش دیگری است که در نقد یک اثر معماری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فرآیند شکل‌گیری اثر معماری در دو گروه قابل مطالعه است: **الف)فرآیند طراحی و مراحل به وجود آمدن ایده:** نقد فرآیند طراحی معماری و عوامل شکل‌دهنده آن. **ب)فرآیند شکل‌گیری و ساخت:** بر اساس الگوهای نظری ارائه شده، هماهنگی فرآیند ساختِ یک پروژه با موضوع آن، نشانه فهم صحیح موضوع؛ و عدم تناسب آن بیانگر یک نوع آشفتگی در خرده‌نظام‌های اجتماعی است. منتقد معماری می‌تواند فرآیند ساخت و تدابیر به کار رفته در آن را به عنوان یک موضوع مناسب در نقد مطرح سازد. در این حالت «فرآیندها و روش‌ها» کانون توجه منتقد معماری است. معمار در این حالت مدیری است که عملکرد وی بر اساس قانون شناخته می‌شود. عنایت به ظرفیت‌ها و خواسته‌های گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ، مبتنی بر گرایش فکری سیستمی و مشارکتی، و البته برمبنای اسناد قانونی مربوط به مدیریت پروژه است. جایگاه معمار به عنوان سازمان‌دهنده و سامان‌دهنده فرآیند طراحی و ساخت اثر معماری است. موفقیت اثر بر مبنای مشارکت حداکثری در فرآیند برنامه‌ریزی، برنامه‌دهی و ساخت اثر سنجیده می‌شود، جایگاه منتقد هم کنترل‌کننده‌ی صحت فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است(همان).

اقبال عمومی: عملکرد در تعریف مردم‌گرا از معماری، و اقبال عمومی دو مفهوم به هم پیوسته‌اند. پاسخگویی به نیازهای مختلف عملکردی، اجتماعی و ...؛ در کنار پذیرش بنا از طرف نهادهای مختلف اجتماعی، موضوعی است که در حوزه کارکرد بنا مطرح می‌شود. بر اساس تعریف، کارکرد بنا را می‌توان در دو گروه به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار داد: **الف)پاسخگویی به نیازهای عملکردی:** یکی از مهمترین انتظارات ما از یک بنا، پاسخگویی به نیازهای عملکردی و کالبدی است که بنا بر اساس آن طراحی و اجرا شده است. **ب)پذیرش نهادهای اجتماعی:** بر اساس رویکرد فرم‌گرایانه به تعریف معماری، زمانی پاسخگویی به عملکردهای یک اثر مناسب ارزیابی می‌شود که نهادهای اجتماعی آن را بپذیرند و از آن استقبال کنند؛ در غیر این صورت با هیچ معیار نمی‌توان در موارد اختلافی اظهار نظر کرد. منتقد معماری در این حوزه با بیان میزان استقبال و یا عدمِاستقبال گروه‌ها و نهادهای مختلف جامعه از بنا، به تبیین میزان موفقیت یا عدمِموفقیت بنا بپردازد. در نگاه مردم‌گرا، «فرم و شکل» در کانون توجه قرار دارد. هماهنگی با خواست مردم، ویژگی برجسته معمار است و اثر بر مبنای نظرات جامعه بازدیدکنندگان و موفقیت آن با ارزیابی میزان مشارکت، با ابزار پرسش‌نامه و افکارسنجی مورد سنجش واقع می‌شود. جایگاه معمار با هدایت فرآیند طراحی بر اساس خواست اکثریت جامعه تعریف می‌شود زیرا اثر برجسته معماری اثری است که هماهنگ با سلیقه عمومی و در پاسخ به خواست مردم طراحی و اجرا شده است. منتقد معماری در حقیقت مدافع سلیقه عمومی و گرایش‌های مردم‌گرا و عامه‌پسند خواهد بود(همان).

نقدِ نقد: نقد یکی از بخش‌هایی است که در خلال آن می‌توان بازخوردها و واکنش‌های گروه‌های مختلف را نسبت به بنا مورد ارزیابی قرار داد. نقدِ تحلیل‌های منتقدین رسمی و غیررسمی، و ساخت بنای معماری به عنوان یک نقد اجتماعی موضوعی که در ادبیات تخصصی جامعه، از آن با نامِ «نقدِ نقد» یاد می‌شود. نقدهایی که دربارهِ یک اثر معماری خاص تهیه می‌شوند، در دو گروه قابل تحلیل خواهند بود: **الف)نقدهای رسمی:** نقدهای رسمی به کلیهِ اظهارنظرها و انتقادهایی اطلاق می‌شود که توسط گروه‌های مسئول و متخصص مطرح می‌شود. منتقدانِ معماری، مهمترین بخشِ این گروه را به خود اختصاص می‌دهند. **ب)نقدهای غیررسمی:** نقدهای غیررسمی شامل: اظهارنظرها و انتقادهایی است که توسط گروه‌های غیرمتخصص، به خصوص کاربران بنا ارائه می‌شود. منتقد معماری می‌تواند علاوه بر دو گروه فوق، میزان و نوع ارتباط این نقدها را با یکدیگر، به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. کانون توجه منتقد، شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و گروه اصلی مخاطب، اندیشمندان، متفکران و منتقدان‌اند. ویژگی برجسته معمار، شناخته شدن به عنوان یک منتقد اجتماعی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.27.8.8]

است. منتقد معماری، جدایی‌گزین، ایده‌آلیست، پساساختارگراست و به جستجو و مطالعه آثار منتقدین معماری می‌پردازد. معمار برگزیده معماری است که مردم را به فرک کردن و بازاندیشی تشویق کند؛ و منتقدِ معماری در جایگاه معلمِ جامعه، رسالت اجتماعی معماران به عنوان ناجی و مرتب گوشزد می‌نماید(همان).

بازآفرینی گفتمان نوین: هر گفتمانی که در معماری شکل می‌گیرد، به جامعه عرضه می‌شود؛ پس از دریافت بازخوردها و شکل یافتن نمونه‌های قابل قبول، گفتمان جدیدی بازتولید می‌شود. بازآفرینی گفتمان نوین در دو گروه قابل بررسی خواهد بود: **الف)بازتعریف گفتمان:** بازتعریف گفتمان بر اساس تجزیه و تحلیل نقدهای موجود و برآیند نقدِ نقدهای تهیه شده از یک بنا خواهد بود، اغلب بازتعریف گفتمان‌ها ناپیدا بوده، تا ظهور نمونه‌ای جدید توسط مردم درک نمی‌شوند. **ب)تعریف نیاز جدید:** همواره نقدِ نقدهای گذشته، به شکل‌گیری یک برآیند جامع و تعریف نیازهای جدید می‌انجامد. بر اساس پیش‌بینی‌های الگویِ تحلیل گفتمان، نیازهای جدید آغازگرِ دوباره چرخه‌ای نو در نقد محسوب می‌شوند. در این حالت نیازهای آینده در کانون توجه است و معمار خود را نظریه‌پردازی پیشرو می‌بینند. نقد بر جایگاه معماران و طراحان آینده تأکید داشته، بر علوم جدید مانند: دیجیتال، زیست‌شناسی و آینده‌نگاری تأکید می‌کند. مفاهیمی مانند: معماری معاصر، میراثی برای آینده، در این حالت منتقد را به شخصیتی با مشخصات جریان‌ساز و سبک‌آفرین مبدل می‌سازد(مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۶۷).

جدول ۲- الگوی نقد اثار معماری معاصر ایران؛ مأخذ: [۷]

موضوع نقد	کانون توجه	ویژگی برجسته معمار	گروه مخاطب نقد	گرایش فکری	ابزار و اسناد انجام نقد	جایگاه معمار	تعریف از معماری	جایگاه منتقد
تعامل با زمینه	بوم	شنونده‌ای آگاه	متخصصین و کارشناسان	سنتی، نومدرن، اکولوژیک	مشاهده عمیق و برداشت میدانی	گوش سپردن به آنچه زمینه به او می‌گوید	معماری، محصول نیروهای برخاسته از زمینه طراحی	نسبت اثر و نیازهای زمینه
تحلیل فرآیندمبنا	فرآیندها و روش‌ها	مدیر قانون‌گرا	گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ	سیستمی، مشارکتی	اسناد قانونی مربوط به مدیریت پروژه و ساخت	سازمان‌دهی و ساماندهی فرآیند طراحی و ساخت اثر معماری	مشارکت حداکثری در فرآیند برنامه‌ریزی، برنامه‌دهی و ساخت اثر	کنترل‌کننده صحت فرآیند تصمیم‌سازی تصمیم‌گیری
اقبال عمومی	فرم و شکل	هماهنگ با مردم	جامعه بازدیدکنندگا ن	مشارکت مبنا، مردم-گرا، مردم-پسند	پرسش‌نامه و افکارسنجی	هدایت فرآیند طراحی بر اساس خواسته اکثریت جامعه	هماهنگ با سلیقه عمومی، پاسخ به خواست مردم	مدافع سلیقه عمومی و گرایش‌های مردم‌گرا و عامه‌پسند
نقدِ نقد	شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	منتقد اجتماعی	اندیشمندان، متفکران و منتقدان	جدایی‌گزین، ایده‌آلیست، پساساختارگرا	جستجو و مطالعه آثار منتقدین معماری	طراحی اثری که مردم را به فکر کردن و بازاندیشی تشویق می‌کند	رسالت اجتماعی به عنوان ناجی و ابرمعمار	دانایی کل، معلم جامعه و حامی ابرمعمار

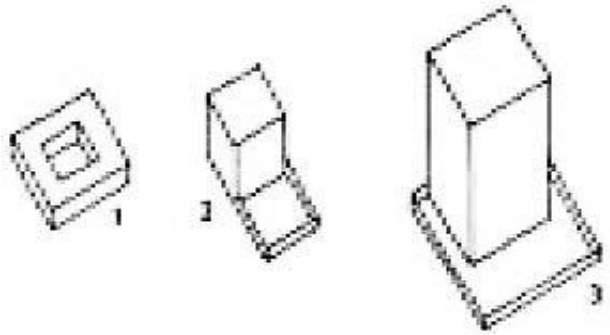
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.27.8.8]

بازآفرینی گفتمان نوین	نیازهای آینده	نظریه‌پردازی پیشرو	معماران و طراحان آینده	دیجیتال، زیست‌شناسی و آینده‌نگاری	مشاهده و پیش‌بینی آثاری که در آینده ساخته می‌شوند	اندیشه‌های جدید را برای پاسخگویی به نیازهای جامعه ارائه کند	معماری معاصر، میراثی برای آینده	جریان‌ساز و سبک‌آفرین

(مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۶۵)

تغییر «نظام الگویی معماری» در خانه‌های معاصر

چرا آثارِ مسکونیِ معاصر، نیاز به تحلیل، نقد و بررسی دارند؟ آیا به این خاطر که معماری مسکونی بیشترین میزان ساخت‌وساز را به خود اختصاص می‌دهد و چهره اصلی شهر را می‌سازد؟ یا این که کالبد مسکونی به یک معنا، آیینه‌یِ تمام نمایِ فردیت افراد و فرهنگ یک جامعه است؛ «به تعبیر دیگر آنچه شکلِ مسکن و سبک‌وسیاق معماری را از حیثِ معنوی رقم می‌زند، نشان‌دهنده‌یِ فرهنگ جامعه است(شصتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶)»؛ زیرا «هر چقدر که زندگی شهری اصیل باشد، شهر این دستورها را به یک سبک تبدیل می‌کند؛ این سبک، خود را به شکلِ سبکِ معماری نشان می‌دهد و با هنر و موضوعات هنری مرتبط می‌شود(لوفور، ۱۳۷۹)». در واقع، هر خانه به مثابه مجموعه‌ای است که در آن نماها و نشانه‌های هویتی و شخصیتی‌مان را به نمایش می‌گذاریم. شکل خانه، موقعیت آن، مصالح و تزئینات داخلی خانه هر کدام نمادی است دربردارنده‌یِ معناهایی که صاحبان خانه‌ها، آن را به مثابه پیام‌هایی درباره خودشان می‌دانند که به دیگران انتقال می‌دهند(فاضلی، ۱۳۹۲: ۲۵۲). این احساس نیاز از طرفی، به تغییر نظام الگویی خانه‌های معاصر نیز مرتبط می‌شود؛ در گذشته آرایش فضای مسکن که به دنبال قواعد هندسی بود، در حال حاضر متأثر از هندسه قطعه زمین گردیده است و فضاهای چندمنظوره و ترکیب شده از فضاهای باز، نیمه باز و بسته که افزایش تنوع فضایی را باعث می‌شد امروزه به فضاهای زندگی بسته تبدیل شده‌اند(Mirmoghtadaee, 2009). محدودیت‌های تحمیل شده بر عرض نمای ساختمان‌های معاصر و لزوم ارائه دسترسی خیابان به هر قطعه زمین، باعث تغییر الگو از خانه‌های حیاط‌دار به ردیف‌های آپارتمان و نیاز به خانه‌های بیشتر و تراکم بالاتر شده است(Shayesteh & Steadman, 2013). در نوع جدید سکونت، حوزه زندگی هر خانوار کوچکتر و یک حیاط مشترک(بر خلاف حیاط فردی خانه‌های سنتی)، که متعلق به تمام خانواده‌های ساکن آپارتمان است وجود دارد. مقررات جدید ساختمان، که اجازه ساخت برای پوشش ۶۰٪ از زمین و ۴۰ ٪ برای فضای باز می‌دهد، اثر زیادی بر این سازمان فضایی خانه‌ها و همچنین طراحی شهری داشته است(Moosavi, 2012 به نقل از میرسجادی و فرکیش، ۱۳۹۵).



تصویر ۱- سیر تحول الگوی معماری در خانه‌های معاصر(Mirmoghtadaee, 2009)

تحلیل نمونه‌های موردی

ساختار نظری انتخاب نمونه‌ها: برای کنترل متغیرهای تحقیق(نظیر ویژگی‌های فرهنگی بستر طراحی)، نمونه‌هایی در جامعه‌ی آماری قرار می‌گیرند که در یک بستر مشخص(کشور ایران) و توسط معماران معاصر به وجود آمده‌اند. با توجه به این معیارها، همچنین با توجه به هدف پژوهش مبنی بر کاربردی بودن نتایج، مجموعه‌های موفق و تأثیرگذار مسکونی در شهرهای مختلف ایران به عنوان محدوده اصلی با محوریت عوامل مشترکی نظیر اقلیم، بستر و ... از دهه‌ی ۵۰ به بعد انتخاب می‌شوند. نکته‌ی مهم در ایران دوران دهه‌ی ۵۰ بازگشت به

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.27.8.8]

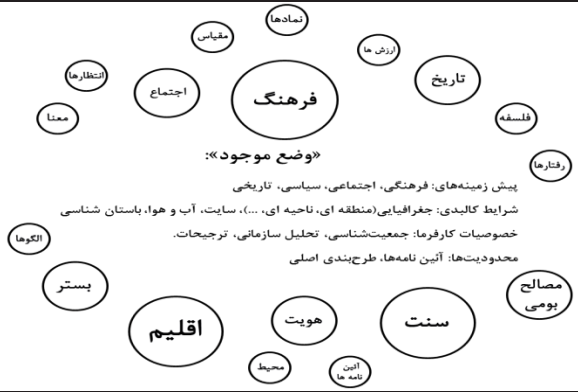
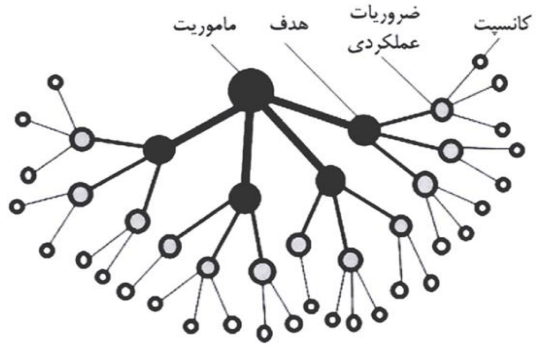
ارزش‌های معماری بومی و استفاده از آن در معماری نوین است که به نوعی پست‌مدرنیزم ایرانی محسوب می‌شود. بانی‌مسعود معتقد است که دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی در ایران از مهمترین و پربارترین دهه‌های شکوفایی معماری مسکونی است(راهب، ۱۳۹۵). آغاز نگرش به معماری غربی و بی‌توجهی به میراث اصیل معماری ایرانی را باید در دوره قاجار جستجو کرد(بانی‌مسعود، ۱۳۸۹: ۱۱). از این زمان به بعد(از اواخر دوره قاجار و آغاز دوره پهلوی)، موضوع معماری گذشته و نو همواره مسأله برخی از معماران ایران بوده است(حاجی‌جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱).

مسیر انتخاب آثار: برای انتخاب آثار دو معیار اصلی، ملاک کار قرار گرفت: الف)آثار انتخاب شده، متعلق به دوره معاصر باشد. از میان تجربیات پراکنده‌ای که در سال‌های اخیر در زمینه معماری مسکونی صورت گرفته است، می‌توان طراحانی را شناسایی کرد که به دلیل نوع برخورد با معماری خانه دارای وجوه اشتراک قابل توجهی در زمینه‌ی مواجهه و برخورد با بستر طرح هستند. ب) برای پرهیز از گسترده شدن مطلب و تکرار در پژوهش و دستیابی به اندیشه‌های مختلف در این زمینه، بناها با یک کاربری(کاربری مسکونی) و گونه‌های مختلف آن(ویلایی، شهری، مجتمع مسکونی و ...) برگزیده شد و با انتخاب تعدادی از آثار مسکونی تأثیرگذار و موفق در مسابقه‌های طراحی بین‌المللی و داخلی که در زمینه‌یِ برقراری ارتباط با بستر و سایتی که در آن قرار گرفته‌اند و راهکارهای معمارانه ارائه داده‌اند، تعدادی از بین فهرستی[1] بیش از چهل بنای مسکونی، نمونه‌های مورد پژوهش به دلایل در دسترس بودن: «مدارک فنی» و «نظرات و اندیشه‌های شکل‌دهنده معماران» انتخاب شدند.

ساختار تحلیل نمونه‌ها: از بررسی‌های توصیفی و تحلیلی نمونه‌های موردی در حوزه‌ی مسکونی، تجربیات معماران ایرانی در چارچوب واژه‌ها و عباراتی در ذیل جدول تحلیلیِ «فرآیندمبنا» برداشت شده از بخشِ «وضع آتی» برنامه‌دهی دورک خلاصه می‌شوند. هر کدام از این واژه‌ها، بر مصادیق جزئی‌تری دلالت دارند که برای تبیین بیشتر حوزه‌ی بحث، مورد نظر قرار می‌گیرند. این واژه‌ها، مشخص کننده‌ی چارچوب مواجهه با ویژگی‌ها و پتانسیل‌های بستر فرهنگی و کالبدی معماری سرزمینی ایران می‌باشند. اساس تحلیل، با استفاده از روش تحلیل محتوا، و با بهره‌گیری از برنامه‌دهی دورک به عنوان مدلی برای تحلیل در نمونه آثار معاصر در حوزه‌ی مسکن در دوره معاصر قرار داشته و رابطه‌ی «نوع نگرش و تفکر طراح» با ویژگی‌های بستر طراحی مشخص می‌شود. این رابطه در چهار مرحله‌ی خلق اثر شامل: «مأموریت بنا، اهداف، ضروریات عملکردی و کانسپت‌ها» تحلیل می‌شود. تحلیل بناها، از طریق نگاه بیرونی مؤلف به نمونه‌های مورد پژوهش با استناد به مصاحبه-های طراحان آثار صورت می‌گیرد. در ادامه، ابتدا تعریف مشخصی از برنامه‌دهی دورک و نوع تحلیلی که قرار است انجام شود با ذکر مثال ارائه می‌شود و سپس نمونه‌های انتخاب شده از آثار مسکونی معاصر مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند.

الگویِ برنامه‌دهی دورک: «برنامه‌دهی دورک» را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: ۱.تحلیل وضعیت موجود: شامل زمینه‌ای است که طرح باید در آن جای گیرد و شامل تحلیل سایت، مشخصات استفاده‌کننده، ضوابط و آئین‌نامه‌ها، محدودیت‌ها و اقلیم می‌باشد. ۲.پیش‌بینی وضعیت آتی: شامل مجموعه‌ای از معیارهایی است که طرح موفق باید دارا باشد. این موارد شامل «مأموریت/ موضوع پروژه»، «اهداف» و «ضروریات عملکردی» و شکل‌گیری «کانسپت‌ها» است(دورک، ۱۳۹۱: ۱۸۱).

جدول ۳- الگوی برنامه‌دهی دورک

وضع موجود	وضع آتی
	

چهار مرحله اصلی جهت پیشبرد برنامه در معرفی «وضع آتی» عبارتند از: تهیه «بیانیه ماموریت»، ایجاد اهداف پروژه، طراحی ضروریات عملکردی قابل اندازه‌گیری و ایجاد روابط مفهومی(کانسپت) که در زیر معرفی شده‌اند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.27.8.8]

جدول ۴- چهار مرحله اصلی در «وضع آتی»

مراحل	توضیح
مأموریت	برای این که مسیر پروژه به طور شفاف بیان شود، لازم است که بر روی مأموریت پروژه تأکید شود. «بیانیه مأموریت» باید به این پرسش‌ها پاسخ دهد:«چرا این پروژه را انجام می دهیم؟»، «بیانیه مأموریت» باید هدف و منظور خاص پروژه ساختمانی را که لازمه‌ی موفق شدن آن است، تعریف و همچنین پایه و اساسی را برای پروژه پیشنهاد کند(تمامی اهداف، ضروریات عملکردی و کانسپت‌ها باید با «ماموریت» پروژه هماهنگ باشند).
اهداف	برای این که «مأموریت» پروژه تحقق پیدا کند، «اهداف» پروژه می‌باید تعیین شوند تا کیفیت طرح نهایی بر اساس کلیه «موضوع‌های طراحی» که در مرحله‌ی «تحلیل» شناخته شده‌اند، تضمین گردند. بیان روشن «اهداف» جهت‌گیری خاصی را برای ذهن طراح تعریف می‌کند(بدون این که حس خلاقیت او را محدود کند و توانایی او در مرحله‌ی «ترکیب» را شکوفا می-سازد). برخورداری از توان و مهارت لازم در به کارگیری دقیق لغات برای بیان هدف، شرطی لازم است تا از این راه «بیانیه هدف» به طور جامع آنچه را که مد نظر است، بیان کند.
ضروریات عملکردی	برای پی بردن به اهداف طرح، ساختمان می‌باید دارای عملکردی مطلوب باشد. «ضرورت عملکردی» وسیله‌ای برای تحقق بخشیدن به «هدف» می‌باشد. یک «ضرورت عملکردی» بیانی از عملکردی قابل اندازه‌گیری است که باید در طراحی به آن توجه داشت تا اهداف طرح محقق شوند.
کانسپت‌ها	برای این که عملکرد ساختمان در سطح مطلوب کارآیی خود قرار گیرد، باید به لحاظ کالبدی نیز به گونه‌ای ساماندهی شده باشد که امکان بهره‌گیری از سطح مطلوب عملکردی را فراهم سازد. کانسپت‌ها، دیاگرام‌هایی هستند که روابط سازماندهی شده‌ی ایده‌آل را نمایش می‌دهند. یک کانسپت را می‌توان برای سطوح مختلف یک طرح سازماندهی کرد، چنان که در فعالیت برنامه-دهی و طراحی این کانسپت‌ها می‌توانند از ابعاد کلان تا خرد مطرح گردند(برای مثال، کانسپت در سطح کلان برنامه‌دهی را «طرح‌مایه(Parti)» (ایده‌ی کلی) و کانسپت در سطح خرد برنامه‌دهی را که به جزئیات فضا می‌پردازد را «کانسپت برنامه‌دهی» می‌نامند)(دورک، ۱۳۸۹: ۸۰- ۸۱).

الگوی «تحلیل فرآیندمبنا» بر پایه مؤلفه‌های : «مأموریت بنا، اهداف، ضروریات عملکردی و کانسپت‌ها»

آنچه به طور شاخص موجب سودمند واقع شدن الگوی برنامه‌دهی دورک شده است، رویکرد «برنامه‌دهی موضوع- محور(issue-based programming)» آن است. در این رویکرد، «موضوع‌ها(issues)» نکات مورد ملاحظه‌ای هستند که پاسخ طراحی خاص را ایجاب می‌کنند و همچنین در خصوص نقد و طراحی یک فضای موجود می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. در این راستا می‌توان از بخش «وضع آتی»، یک الگوی تحلیلی فرآیندمبنا بر اساس مؤلفه‌های «مأموریت بنا، اهداف، ضروریات عملکردی و کانسپت‌ها» طراحی نمود؛ به عنوان مثال برای تحلیل «برج آزادی»، می‌توان به شکل زیر استفاده نمود:

جدول ۵- تحلیل فرآیندمبنا «برج آزادی» به وسیله نمودار «وضع آتی» در برنامه دهی دورک

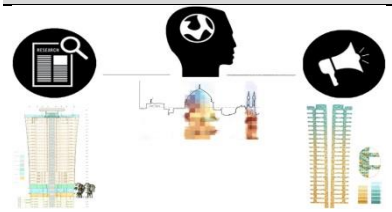
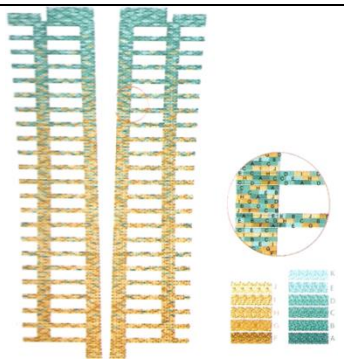
مأموریت بنا	هدف	ضروریات عملکردی	کانسپت
طراحی نماد ملی	ماندگاری	الهام از هندسه طبیعی	نحوه چیدمان و هندسه خاص نمای ساختمان
		بیان تندیس گونه	به کار بردن رنگ خاص
			تنظیم ارتفاع بنا در ارتباط با محیط پیرامون
	هُویت	توجه به نمادهای ایرانی	استفاده از باغ سازی ایرانی
			ارجاع به فرم های آشنای معماری ایرانی(مانند: طاق گهواره ای)
		توجه به نمادهای اسلامی	استفاده از عناصر آشنای معماری اسلامی(مانند: رسمی بندی)
			ارجاعات مشخص به فرم های آشنای معماری اسلامی(مانند: طاق جناغی)
	مدرن	به کار بردن مصالح جدید	استفاده از تکنولوژی خاص

(فدوی انبیائی، ۱۳۹۴)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.27.8.8]

نمونه‌های مورد مطالعه: نکته قابل توجه در این بخش، ذکر این موضوع می‌باشد که تحلیل نمونه‌ها بر اساس مصاحبه‌ها و نظرات طراحان در مورد کار و پروژه‌هایشان می‌باشد. از طرفی سعی شد تا از گونه‌های مختلف مسکونی(ویلایی، شهری، مجتمع مسکونی و ...)، یک نمونه مورد تحلیل و نقد قرار گیرد.

جدول ۶- تحلیل «برج مسکونی مهرآفرین» به وسیله الگویِ‌تحلیلی «فرآیندمبنا»

مأموریت بنا	اهداف	ضروریات عملکردی	کانسپت	تصاویر
بازاندیشی برای برخورد با پدیده‌ی «برج مسکونی» که همواره امری مناقشه برانگیز و مسئله‌دار بوده است	پاسخی دل‌چویانه به مسئله آسمان	استفاده از «تاریخ به عنوان حافظه مشترک شهر»	بر اساس حوزه تمدنی ایران(از ماوراءالنهر تا بین‌النهرین)، ارتفاع هر بنایی که از محور افق بالاتر می‌رود، به رنگ فیروزه‌ایِ آسمان در می‌آید(گویی در برابر آسمان خشوع می‌کند).	
	آشتی دوباره با شهر	عدم مخدوش کردن «چشم‌انداز طبیعی شهر» و «خط آسمان نرمال»	بهره‌گیری از دو رنگ «خاکی و آبی» با مطالعه هدفمند تاریخ معماریِ بناهای بلندمرتبه(مانند: مقبره بایزید، گنبد سلطانیه و بقعه سید رکن‌الدین)	
	هویت	بهره‌گیری از مصالح آشنا و دارای سابقه تاریخی	استفاده از کاشی	
	مدرن	استفاده از تکنولوژی خاص	استفاده از تکنیک «پیکسل‌بندی» به منظور دستیابی به قطعه‌بندی رنگ‌ها و امکان ادغام تدریجی آنها	

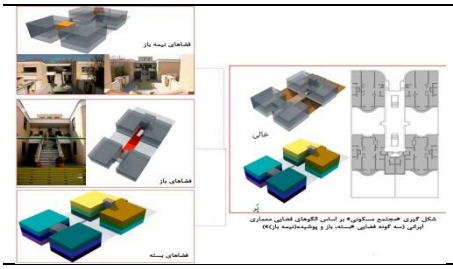
مأخذ تصاویر(نیکبخت، ۱۳۹۵)

جدول ۷- تحلیل «مجتمع مسکونی نگین جلفا» به وسیله الگویِ‌تحلیلی «فرآیندمبنا»

مأموریت بنا	اهداف	ضروریات عملکردی	کانسپت	تصاویر
طراحی مجتمع مسکونی بر اساس «پیوند با زمینه و بستری که در آن قرار گرفته است»	«همگرایی کالبدی» با زمینه	الگوبرداری از عناصر معماری در نما	تکرار و الگوبرداری از نرده‌ها و بازشوهای دایره‌ای شکل از مدرسه فرانسوی‌ها	
	هویت	اخذ مفاهیم طراحی از ویژگی‌های محسوس مکانی(بهره‌گیری از «اصل تقارن» و «پیمون» در نظام معماری منطقه‌ای)	«تقارن» و «هندسه یکسان» در نما و مقطع	

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.27.8.8]

الگـوگیری از «الگوهـای فضـــایی» در معمـــاری ایرانی	سازماندهی مجتمع مسکونی بـر اساس الگوهـای «بـاز، بسـته و نیمه‌باز»		

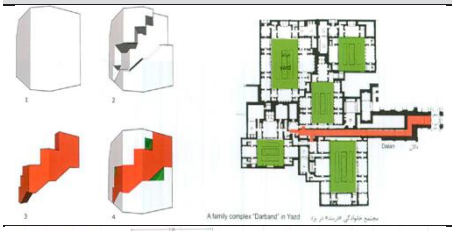
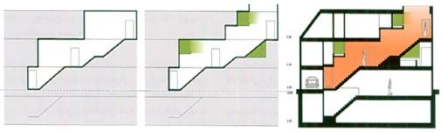
جدول ۸- تحلیل «خانه کوه‌بَر» به وسیله الگویِ‌تحلیلی «فرآیندمبنا»

مأموریت بنا	اهداف	ضروریات عملکردی	کانسپت	تصاویر
طراحی بر اساس «مفاهیم فرهنگی ایران» و «تغییرات و وضعیت جامعه معاصر»	برقراری ارتباط بین روابط فضایی خانه‌های سنتی ایران با معماری خانه‌های مدرن	استفاده از مصالح بوم-آورد	بهره‌گیری از ارزان‌ترین و پیش‌پا افتاده-ترین مصـالح در معمـاری ایرانـی بنـام آجـر» نتراشـیده و زمخـت موسـوم بـه «آجر فشاری»	
		طراحـــی در چـــارچوب یک «شبکه فضایی»	قرارگیـــری فضـــاهای پُـــر و خـــالی در «شبکه» و طراحی یک کوچه، گـذر یـا گذرهایی داخلـی بـه عنـوان «سیسـتم دسترسی عمودی»	
		انتقـاد از رونـد طراحـی آپارتمان‌های معاصر	انتقـاد از سیسـتم دسترسـی عمـودی معمول (به صورت پله دو طرفه کـه تـا بالا دور خود می‌چرخد)	
		طراحی بر اساس نظام زندگی خانواده ایرانی	عـدم مـلاک قـرار دادن «قواعـد و معیارهای معمول طراحی»(قواعدی کـه برای طراحی سـاختمان‌هـای ناآشـنا بـا مفاهیم فرهنگـی زنـدگی ایرانی(ماننـد آپارتمان) تدوین شـده بودنـد و زنـدگی جاری در آنها مغـایر بـا سـبک زنـدگی جامعه معاصر ایرانی بود)	

مأخذ تصاویر(زیرک، ۱۳۹۶)

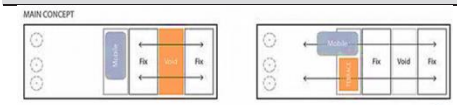
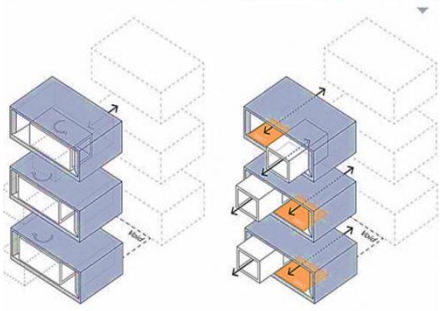
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.27.8.8]

جدول ۹- تحلیل «ساختمان بیدآباد» به وسیله الگوی‌تحلیلی «فرآیندمبنا»

مأموریت بنا	اهداف	ضروریات عملکردی	کانسپت	تصاویر
طراحی بر اساس «احترام به بافت و زمینه»	برقراری ارتباط بین ساختمان جدید و زمینه موجود	ایده گرفتن از «سلسله‌مراتب» ورود به بنا از «معماری ایرانی»	بهره‌گیری از ایده‌ی «سیستم ارتباطی» خانه‌های گذشته و تبدیل «مسیر دو بعدی» به «سیستم ارتباطی سه بعدی»	
		توجه به استقرار بصری بنا در سایت (هماهنگی با بستر)	استفاده حداقلی از بازشوها در نما و همسایگی با خانه‌های همجوار	
		انتقاد از روند طراحی آپارتمان-های معاصر	مورد نقد قرار دادن «سیستم ارتباطی عمودی» معمول در ساختمان‌های معاصر و به کارگیری راه‌حلی از «معماری ایرانی» با بیانی معاصر بر اساس نیاز ساکنان	

مأخذ تصاویر(حسینی و گرامی‌زاده، ۱۳۸۹)

جدول ۱۰- تحلیل «خانه شریفی‌ها» به وسیله الگوی‌تحلیلی «فرآیندمبنا»

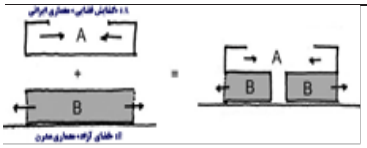
مأموریت بنا	اهداف	ضروریات عملکردی	کانسپت	تصاویر
طراحی خانه‌ای بزرگ، ویژه و شاخص بر اساس توجه به «اقلیم، بستر و میراث معماری ایرانی»	مدرن	ایستایی و پایایی بنا	استفاده از تکنولوژی خاص به کار بردن مصالح جدید	
	هویت	توجه به «درونگرایی و برونگرایی» در معماری مسکن ایرانی	در زمستان: «حجمی بسته، بدون تراس با پنجره‌های کوچک» در تابستان: «حجمی شفاف و باز، با تراس‌هایی عمیق و پنجره‌های بزرگ»	
		الهام از «ایده اقلیمی خانه‌های سنتی ایران» جهت «تطابق اقلیمی» به سبب تغییر موقعیت نسبت به خورشید	«چرخش‌های نما» جهت باز شدن در تابستان برای نورگیری و بسته شدن در زمستان برای مقابله با سرما	
	انعطاف پذیری	نماهای متغیر	به کار بردن «طرح مکعب گردان» به منظور ایجاد نوعی معماری غیرقطعی	

مأخذ تصاویر(www.caoi.ir)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]

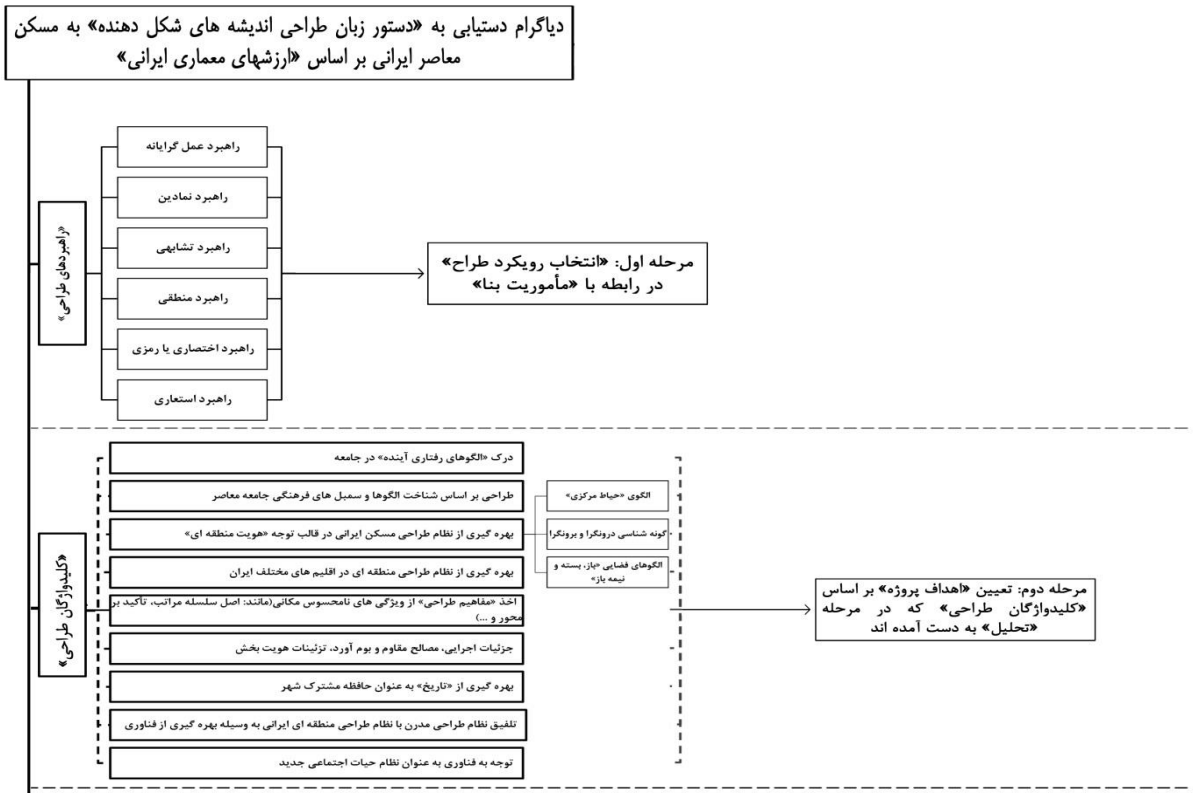
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.27.8.8]

جدول ۱۱- تحلیل «ویلای درویش‌آباد» به وسیله الگویِ‌تحلیلی «فرآیندمبنا»

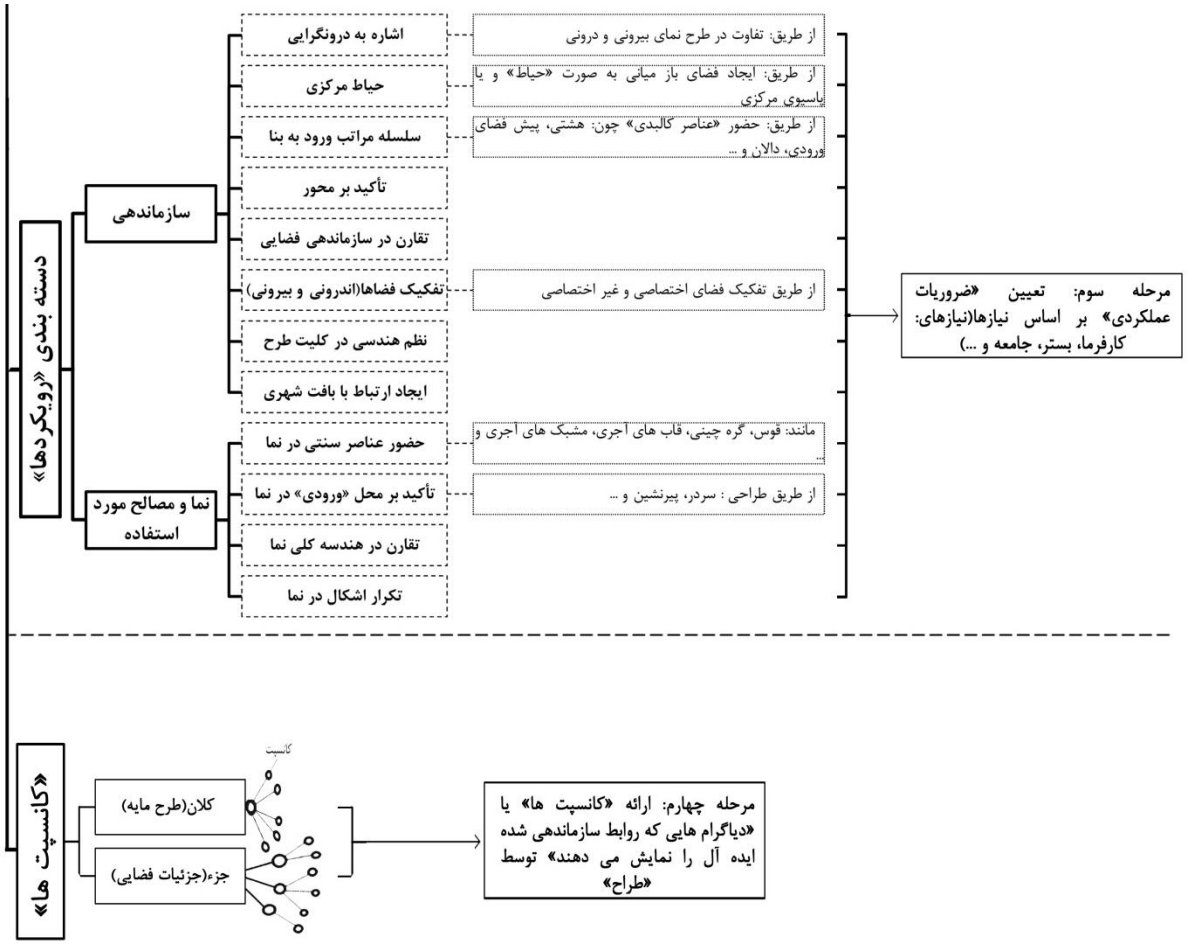
مأموریت بنا	اهداف	ضروریات عملکردی	کانسپت	تصاویر
طراحی خانه‌ای بر اساس «پیونده دادن معماری ایرانی و آزادی مدرنیسم»	مدرن	الهام از اصول معماری مدرن	پنج اصل لوکوربوزیه: الف)ستون‌ها، ساختمانها را از روی زمین بلند می‌کنند. ب) بام مسطح و باغ روی بام. ج) پلان آزاد د) پنجره‌های طویل و سرتاسری ه) نمای آزاد، کف‌ها و دیوارها به صورت کنسول	
	نقد معماری معاصر	پرهیز از قطعیت یافتن تفکر «معماری منطقه-ای» یا «معماری مدرن»	ترکیب اصول معماری مدرن با الگوهای فضایی معماری ایرانی(منطقه‌ای)	
	هویت	الهام از ایده «گشایش فضایی» در معماری ایرانی	پرداخت «فضای مرکزی» و بازی «نور وسایه»	

مأخذ تصاویر(www.caoi.ir)

دیاگرام ۱- دیاگرام دستیابی به «دستور زبان طراحی اندیشه‌های شکل‌دهنده» به مسکن معاصر ایرانی



[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.27.8.8]



نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تلاش گشت تا بر اساس الگوهای نقد و تحلیل معماری معاصر ایران، از طریق «تحلیل فرآیندمبنا» که با استفاده از الگوی دورک بدست آمده، نمونه‌های معماری معاصر در حوزه مسکونی بررسی شوند تا بتوانیم از طریق این گونه تحلیلی، با «فرآیند شکل‌گیری آثار معاصر» آشنا شده و درک عمیق‌تری از تجربه‌های صورت گرفته بدست آید. به عبارت دیگر طی این فرآیند به ما کمک می‌کند تا معنای جمله‌ی«**طراحی بر مبنای یافتن یک گِره شروع می‌شود**» را دریابیم که طرح را بر اساس چه عاملی پایه‌گذاری کنیم.

در نمونه‌های موفق، توجه یکسانی به «مفاهیم، عناصر و الگوهای فضایی» نظام معماری مسکن ایرانی شده است. این پروژه‌ها، نشان از شکل‌گیری نگرشی تازه به معماری ایرانی دارند. در این نگرش، با استفاده از نقد و تحلیل معماری مدرن و معماری سنتی، پیوندهای فضایی به وجود می‌آورند که به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه معاصر اتصال دارد. به این ترتیب، معماری صورت گرفته، گونه‌ای از معماری انتقادی برساخته از نظام تعاملی میان سه عامل رجوع به «تاریخ» به عنوان حافظه مشترک در معماری، الگوی فعالیت و نیازهای زیستی انسان معاصر و مجموعه‌ای از اشیاء و عناصر در قالب «نشانه‌ها» به عنوان مؤلفه رمزگذاری شده توسط طراح است. فرآیند طراحی این پروژه‌ها، نشان از تعامل معمار و بستر طراحی دارد؛ در واقع معمار قادر بوده تا ویژگی‌های هویتی یک مکان را دریابد و آن را، بخشی از فرآیند طراحی خود قرار دهد.

فهرست منابع

– اتو، و. (۱۳۸۸). معماری و اندیشه نقادانه. ترجمه: امینه انجم شعاع،فرهنگستان هنر، تهران.
– انصاری، ح.، و معظمی، م. (۱۳۸۴). آفرینش اثر معماری: بنیان‌ها و سویه‌ها. فصلنامه علمی– پژوهشی هنرهای زیبا، ۲۱، صص ۴۵– ۵۶.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.27.8.8]

– بانی‌مسعود،ا. (۱۳۸۹). معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. نشر هنر معماری قرن، تهران.
– حاجی‌جعفری بیدگلی، ش. (۱۳۹۲). تأملی در اصول معماری ایرانی: سه نظرگاه معاصر. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهیدبهشتی.
– حسینی، ا.، و گرامی‌زاده، ا. (۱۳۸۹). رتبه دوم: خانهٔ بیدآباد، اصفهان. نشریه معمار، ۶۴، صص ۱۴– ۱۷.
– دانشگر مقدم، گ. (۱۳۸۸). فهم مسئله طراحی در آموزش معماری؛ بررسی مؤلفه مؤثر بر فهم کافی از مسئله طراحی به عنوان آغازگاهی برای طراحان مبتدی. فصلنامه علمی– پژوهشی هنرهای زیبا، سال یازدهم، ۳۷، صص ۵۹– ۶۸.
– دورک، د. پ. (۱۳۸۹). برنامه‌دهی معماری: مدیریت اطلاعات برای طراحی. ترجمه: سیدامیر محمودی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
– راهب، غ. (۱۳۹۵). بررسی فرآیند تغییرات رابطه عرصه و اعیان در ساختمان‌های مسکونی شهر تهران در دوران معاصر. مجموعه مقالات شانزدهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن در ایران.
– زیرک، ب. (۱۳۹۶). خانه کوه‌بر. دو ماهنامه معمار، ۱۰۷، صص ۲۲– ۳۳.
– شصتی، ش.، و فلامکی، م.، و جواهری‌پور، م. (۱۳۹۶). معماری مسکونی امروز شهر تهران و پروبلماتیک فرهنگ از منظری جامعه‌شناختی. فصلنامه علمی– پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره نهم، ۲، صص ۸۵– ۱۰۶.
– عباسی، م. (۱۳۹۲). پژوهشی در باب ارتقای اعتبار علمی نقدهای معماری تکنیکی برای استخراج معنای جامع اثر معماری. فصلنامه علمی– پژوهشی باغ نظر، سال دهم، ۲۴، صص ۶۹– ۷۸.
– عزیزی، ش.، و واعظی، م.، و موسوی، ح. (۱۳۹۷). ارائه نگرشی نوین در طراحی معماری با رویکرد معناشناسی اُمبرتو اِکو. فصلنامه علمی– پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، ۴، صص ۲۵۱– ۲۶۵.
– فاضلی، ن. (۱۳۹۲). فرهنگ و شهر، چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری. انتشارات تیسا، تهران.
– فدوی انبیائی، ب. (۱۳۹۴). جزوه درس برنامه‌ریزی کالبدی معماری. دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.
– لوفور، ه. (۱۳۷۹). سطوح واقعیت و تحلیل پدیده‌های شهری. ترجمه: زهرا تشکر، فصلنامه علمی– پژوهشی مدیریت شهری، ۱، صص ۴۰– ۴۵.
– ملاصدرا. (۱۳۷۹). اسفار اربعه. جلد ۸، انتشارات الحیدریه، تهران.
– مهدوی‌نژاد، م. (۱۳۸۳). حکمت معماری اسلامی: جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنوی معماری اسلامی. فصلنامه علمی– پژوهشی هنرهای زیبا، ۱۹، صص ۵۷– ۶۶.
– مهدوی‌نژاد، م. (۱۳۸۴). آموزش نقد معماری؛ تقویت خلاقیت دانشجویان با روش تحلیل همه‌جانبه آثار معماری. فصلنامه علمی– پژوهشی هنرهای زیبا، ۲۳، صص ۶۹– ۷۶.
– مهدوی‌نژاد، م. (۱۳۹۶). گفتمان معماری سرآمد: الگویی برای نقد آثار معماری معاصر. فصلنامه علمی– پژوهشی هویت شهر، سال یازدهم، ۳۰، صص ۵۹– ۶۸.
– میرسجادی، ا.، و فرکیش، ه. (۱۳۹۵). ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار در معماری خانه‌های تاریخی نیشابور جهت دستیابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی. فصلنامه علمی– پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، سال چهارم، ۱۳، صص ۷۲– ۹۲.
– نیکبخت، م. (۱۳۹۵). پروژه برج مسکونی مهرآفرین. فصلنامه معماری و ساختمان، ۴۹، صص ۱۴۲– ۱۴۵.
- Mirmoghtadaee, M. (2009). Process of Housing Transformation in Iran, Journal of Construction in Developing Countries, Vol. 14, No. 1.
- Moosavi, S. (2012). An Architectural Approach to Formation and Evolution of Residential Complexes in Iran, Journal of Basic and Applied Scientific Research. J. Basic. Appl. Sci. Res., 2(7)7046-7051.
- Shayesteh, H., and Steadman, P. (2013). The impacts of regulations and legislation on residential built forms in Tehran. The Journal of Space Syntax.
- www.caoi.ir/fa

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22225602.1398.7.27.8.8]

پیوست

۱. فهرست بناهای مورد پژوهش، عبارتند از:

الف)برج‌ها: برج مسکونی مهرآفرین(محمدرضا نیکبخت)، برج مسکونی طائورس(دفتر معماری رازان)، منظر خانه(گروه معماری دات)، برج تهران(استودیو معماری کات)، برج مسکونی فرمانیه(فرشاد مهدی‌زاده و رها اشرفی و محسن مریزاد)، برج مسکونی- خدماتی الهیه(حمید میرمیران)

ب)مجموعه‌های مسکونی: ساختمان تندیس(یوسف شریعت‌زاده)، ساختمان آفریقا(کوه‌بَر) (مهدی علیزاده)، هبیتات تهران(موشه سفدی)، مجموعه مسکونی فشم(مهندسان مشاور طرح و آمایش)، مجتمع مسکونی نگین جلفا(علی‌اکبر صارمی)، مجموعه مسکونی هوشمند(مهوش عالمی)، مجموعه مسکونی شوشتر نو(کامران دیبا)، مجتمع مسکونی‌آپارتمانی ایل‌گلی(سیدهادی میرمیران)، محله مسکونی A2 پولادشهر(سیدهادی میرمیران)، مجموعه مسکونی الهیه(بهروز بیات)، مجتمع مسکونی ویلاشهر(محمد مجیدی)، مجتمع مسکونی باغ مهر(محمد مجیدی)، مجتمع مسکونی کاشانک(آرش مظفری)، مجتمع مسکونی ایوان(محمد مجیدی)

ج)آپارتمان میان مرتبه(شهری): ساختمان شفق(یوسف شریعت‌زاده)، ساختمان یاسمن(مهدی علیزاده)، ساختمان کامرانیه(فرامرز شریفی)، ساختمان گلنار(یحیی فیوضی)، ساختمان ارسی‌خانه(نیما و سینا کیوانی)، خانه شریفی‌ها(علیرضا تغابنی)، ساختمان بیدآباد(الهام گرامی‌زاده و احسان حسینی)، ساختمان بهاران(محمدرضا نیکبخت)، ساختمان پیرایش(فریار جواهریان)، خانه افشار(علی‌اکبر صارمی)، ساختمان نگاران(محمدرضا نیکبخت)، ساختمان مسکونی کاشانی(فیروز فیروز)، خانه مقصودبیک(فریار جواهریان)، خانه دریابندری(ایرج کلانتری)، خانه دولت آبادی(هوشنگ سیحون)، خانه دزاشیب (مهندسین مشاور نقش)، ساختمان مسکونی نفر(هادی ندیمی)، خانه عظیمی(بهستان) (کامران افشارنادری)، حیاط آپارتمان شماره ۹(محمد مجیدی)

د)ویلا(ساختمان ویلایی داخل شهری و برون شهری): ویلای درویش‌آباد(پویا خزائلی)، خانه بزرگمهر(هانیه علیزاده و محمود گنجی)، خانه کاشان (سپیده مسعودی‌نژاد)، ویلای نمازی(جیو پونتی)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1398.7.27.8.8]